

ای یاران عبدالبهاء جناب فروغی مکتوبی ارسال نمود و ذکر اسماء آن یاران دل و جان نمودند ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۸۵۲

هو الله

طهران

بواسطه آقا محمد علی از اهل ک

احبای الهی کاشان و قصر و مازگان عموماً علی‌الخصوص جناب آقا محمد علی و آقا سید عبدالرحیم قصری و آقا سید صادق و آقا سید نصرالله و آقا ماشاءالله و آقا میرزا عبدالحسین و آقا مانده‌علی و جناب کدخدا و آقا رمضانعلی و آقا حسین ظهیر و آقا محمد هاشم کاشی و اخویشان آقا محمد و آقا محمد ابراهیم و آقا محمد باقر و علیجان و آقا رضا و آقا خواجه ربیع کلیمی و آقا فرج‌الله بیک و سائر یاران الهی علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله

ای یاران عبدالبهاء جناب فروغی مکتوبی ارسال نمود و ذکر اسماء آن یاران دل و جان نمودند چون نامه گشودم و نامهای مبارک دوستان را ملاحظه نمودم نفعه خوشی وزید و حالت پر روح و ریحانی دست داد که این نامهای فدائیان جمال ابهاست و عنوان عبودیت بندگان درگاه کبریا زیرا قلب عبدالبهاء بیاد دوستان جمال کبریا بوجد و سرور آید و تسلی کامل جوید ای یاران الهی وقت جانفشانیست و زمان وفای بالطف جمال رحمانی آن دلبر مهربان با جمال یوسفی جلوه بیازار امکان نمود گهی در چاه زندان افتاد و گهی اسیر زنجیر حسد اخوان شد روزی در اقلیم مازندران دستگیر عوانان گشت یومی در آن کشور در مجمع جهلای قوم بهزار گونه جفا و شکنجه و بلا گرفتار گشت وقتی در ارض طاء در زیر سلاسل و اغلال و زندان بی‌امان جفاکاران افتاد و روزی سرگون به عراق گردید و یومی هدف صد هزار سهام اهل نفاق شد و چند سال در کوهسار کردستان فرداً و حیداً مظلوماً بی سر و سامان بود و چندی از عراق نفی بمدینه خونکار شد سنینی چند در ارض سر مغضوب طائفین گردید عاقبت در نهایت مظلومیت با هزار گونه مشقت سرگون باین سجن



ORIGINAL

اعظم شد جمیع ملل عالم با سهم و سنان هجوم بر آن مه تابان نمودند و کلّ فرق غرب و شرق تعرّض بآن مظلوم آفاق کردند امم پیشینیان چه کردند و حزب بیانیان چه نمودند و اخوان جفاکاران چه روا داشتند و آن مظلوم آفاق سینۀ مبارکش هدف جمیع این سهام تا آنکه از ذرّوۀ ناسوت بمرکز لاهوت و جهان ملکوت صعود فرمود دمی راحت جان نیافت و آسایش وجدان نجست هیچ صبحی شادمان نبود و هیچ شامی آزاد از ظلم عوانان نگشت حال ما که بنده آن آستانیم و عبد ذلیل آن درگاه چگونه بیاسائیم و بیاریم و محفل بیارائیم و راحت و آسایش بطلبیم این شرط وفا نباشد بلکه باید دم بدم پرجوشتر شویم و مانند نهنگ دریای عشق خروش برآریم هر بلا را راحت کبری دانیم و هر عذاب را عذب فرات شماریم جفا را وفا بینیم و درد را صفا شمیریم مختصراً در سبیل محبتش هر بلیه و هر مصیبت را عین موهبت دانیم بنشر نفعات کوشیم و اثبات آیات بیّنات کنیم بخلاق و خویش تأسی نمائیم و از نورانیت جمال دلجویش اقتباس کنیم اگرچه ما چه ایم و که نیم قطره را چه راهی بدریای نامتناهی و ذره را چه سبیلی بکوکب جلیل نورانی ولکن قطره چون اهتزاز یابد تأسی بامواج بحر نموده و ذره چون در شعاع آید جلوه وجود نماید هذا مقامنا و شأننا

پس ای احبّای الهی بیائید تا دست در آغوش یکدیگر نمائیم و از حافین حول عرش گردیم و بتبتّل و تضرّع و انقطاع و انجذاب و اشتعال تحقّق بعبودیت عتبه مقدّسه یابیم تا نفعات قدس تنزیه و تقدیس و روحانیت الهیه و محویت وجود و خضوع و خشوع عالم امکان را معطر نماید و علیکم التّحیّه و الثّناء

ای احبّای الهی در امور مشورت نمائید و از یکدیگر رأی طلبید آنچه که از شور درآید مجرا دارید خواه موافق فکر و رأی شما باشد خواه نباشد زیرا معنی شور اینست که آنچه را اهل شور موافق بینند مجرا دارند و حکمت را در جمیع موارد ملاحظه داشته باشند زیرا حکمت از نصوص صریحه کتّابست و علیکم التّحیّه و الثّناء ع